



نقض اقتصاد را در دست بگیرید

چهارسوت



رهبر انقلاب صبح دیروز در دیدار با خانواده شهدای اقتدار فرمودند:

با معترض حرف می‌زنیم اغتشاش‌گر را باید سر جاییش نشاند

۲۲

۲۳

تجاوز نظامی آمریکا به ونزوئلا

ترامپ، رئیس جمهور آمریکا برخلاف همه قوانین بین‌المللی، به ونزوئلا حمله کرد



محکومیت جهانی تجاوز نظامی آمریکا به ونزوئلا

رئیس جمهور شیلی اعلام کرد ما تحرکات نظامی آمریکا علیه ونزوئلا را محکوم می‌کنیم و خواستار حل مسالمت‌آمیز بحران هستیم.

حزب‌الله لبنان ضمن محکوم کردن تجاوز نظامی آمریکا به ونزوئلا اعلام کرد این تجاوز نقض صریح و آشکار وی سابقه حاکمیت ملی یک کشور مستقل و قانون بین‌المللی است. همچنین جنبش حماس اعلام کرد ما تجاوز نظامی آمریکا علیه ونزوئلا و ربودن نیکلاس مادورو رئیس جمهور این کشور به همراه همسرش را به شدت محکوم می‌کنیم و این ناقض خطرناک قانون بین‌المللی است.

روسیه تجاوز مسلحانه آمریکا علیه ونزوئلا را محکوم کرد و خواستار نشست فوق‌العاده شورای امنیت سازمان ملل شد. وزارت امور خارجه روسیه تأکید کرد هرگونه دخالت نظامی در ونزوئلا محکوم است. روسیه تصریح کرد بهانه‌ها و توجیهاتی که آمریکا برای عملیات نظامی علیه کاراکاس ارائه کرده، بی‌اساس است. اقدام مسلحانه و خصمانه آمریکا علیه ونزوئلا باعث نگرانی شدید است و ما آن را محکوم می‌کنیم. روسیه افزود باید حق ونزوئلا در تعیین سرنوشتش به طور مستقل و بدون هیچ دخالت نظامی خارجی تضمین شود و روسیه همبستگی با مردم ونزوئلا و حمایت از روند رهبری بولیواری آن را اعلام می‌کند.

دفتر سیاسی جنبش انصارالله یمن با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: ما تجاوز و خشونت‌های نظامی آمریکا علیه ونزوئلا را به شدت محکوم می‌کنیم. اقدامات آمریکا علیه ونزوئلا و تحریم‌های پیشین آن نشانه میزان وحشی‌گری و جنایت‌آمیزی است. این تجاوز آمریکایی شاهدهی دیگر بر سیاست آمریکا مبتنی بر ویرانی کشورها، کشتار ملت‌ها و غارت منابع است. آنچه آمریکا علیه ونزوئلا انجام می‌دهد بار دیگر ثابت می‌کند آمریکا رأس شرارت و مادر تروریسم است. ما همبستگی خود را با ونزوئلا و رئیس جمهور آن که حاضر به پذیرفتن سلطه‌گری آمریکا نشده، اعلام می‌کنیم. ونزوئلا حق دارد از حاکمیت، مردم و منابع

بیانیه وزارت خارجه ایران

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با صدور بیانیه‌ای، تجاوز نظامی ایالات متحده به ونزوئلا را محکوم کرد. متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران حمله نظامی آمریکا به ونزوئلا و نقض فاحش حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی این کشور را به شدت محکوم می‌کند. حمله نظامی آمریکا به ونزوئلا نقض آشکار اصول بنیادین منشور ملل متحد و قواعد اساسی حقوق بین‌الملل به ویژه بند ۴ ماده ۲ منشور مبنی بر ممنوعیت توسل به زور و مصداق کامل «عمل تجاوزکارانه» است که باید فوراً از سوی سازمان ملل متحد و همه دولت‌هایی که دغدغه حاکمیت قانون، صلح و امنیت بین‌المللی دارند صریحاً محکوم شود.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دولت مستقل عضو سازمان ملل متحد، نقض فاحش صلح و منطقه‌ای و بین‌المللی است که پیامدهای آن متوجه کل نظام بین‌الملل بوده و نظام مبتنی بر منشور سازمان ملل را بیش از پیش در معرض فرسایش و تخریب قرار خواهد داد.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ضمن یادآوری حق ذاتی ونزوئلا برای دفاع از حاکمیت ملی، تمامیت سرزمینی و حق تعیین سرنوشت خود، مسئولیت قانونی و اخلاقی همه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان ملل متحد و شورای امنیت آن سازمان را برای توقف فوری تهاجم غیرقانونی آمریکا علیه ونزوئلا را خاطر نشان کرده و بر ضرورت اتخاذ تدابیر لازم برای پاسخگو کردن طراحان و عاملان ارتکاب یافته در جریان این تجاوز نظامی تأکید می‌کند.

۲۴

ایران متحد در برابر ترامپ

واکنش گسترده مسئولان کشورمان به گزافه‌گویی ترامپ علیه ایران



نبره‌های هوایی آمریکا در تجاوزی آشکار به یک کشور مستقل با مدام جمع‌به‌جمع ونزوئلا حمله و مناطق مختلف این کشور را بمباران کردند. این در حالی است که دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا بارها هشدار داده بود آمریکا در حال آماده شدن برای اقدام جدید علیه شبکه‌های ادعایی قاچاق مواد مخدر در ونزوئلاست.

حمله به ونزوئلا در شرایطی صورت گرفته است که پیش از این رئیس جمهور ونزوئلا نیکلاس مادورو هشدار داده بود که ایالات متحده در تلاش است تا دولت ونزوئلا را سرنگون کند و از طریق تحریم‌ها و کارزار فشار نظامی به ذخایر عظیم نفت ونزوئلا مسلط شود.

نیکلاس مادورو رئیس جمهور ونزوئلا با انتشار یک پست در شبکه ایکس حملات موشکی به کاراکاس پایتخت این کشور را تأیید کرد. مادورو گفته «پایتخت ما، کاراکاس، در حال حاضر با موشک بمباران می‌شود...» رئیس جمهور ونزوئلا افزود: «آن‌ها ما را با موشک بمباران می‌کنند سازمان کشورهای آمریکایی و سازمان ملل باید فوراً تشکیل جلسه دهند.» از طرف دیگر، وزیر امور خارجه ونزوئلا در بیانیه‌ای در واکنش به حملات هوایی به این کشور تصریح کرد: ما تجاوز علیه کشورمان را که نقض آشکار منشور سازمان ملل متحد است، رد می‌کنیم. این حملات صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند. وی افزود: هرگونه تلاشی برای تغییر رژیم حاکم در کشور ما شکست خواهد خورد، همانطور که تمام تلاش‌های قبلی شکست خورده‌اند. ایالات متحده پشت حملات اخیر است که حمله‌های مسکونی و زیرساخت‌ها را هدف قرار داده است. این مقام ونزوئلا این حملات اماکن غیرنظامی و نظامی و مرکز شهر کاراکاس را هدف قرار داده است.

دونالد ترامپ ساعتی بعد اعلام کرد که نیروهای نظامی آمریکا، مادورو رئیس جمهور ونزوئلا را برنده‌اند.



خطای سیستماتیک در رسیدگی به پرونده‌های ارزی

پرونده گروه دبش، صرف‌نظر از اشخاص درگیر، یک نمونه روشن از خطای تکرارشونده در رسیدگی به جرائم ارزی در ایران است؛ خطایی که در آن، به‌جای تمرکز بر نهادهای دارای ابزار کنترلی در حکمرانی ارزی، نگاه‌ها به سمت دستگاه‌های مجوزدهنده منحرف می‌شود. جابه‌جایی مسئولیت میان وزارتخانه‌ها، بانک مرکزی و شبکه بانکی، نه تنها کشف جرم را دشوار کرده، بلکه سیاست‌گذاری ارزی و صنعتی کشور را نیز در معرض مخاطره قرار داده است. به گزارش مسیری اقتصاد، پرونده گروه دبش را نمی‌توان تنها یک پرونده قضایی یا یک تخلف اقتصادی دانست. آنچه این پرونده را به موضوعی قابل تأمل برای سیاست‌گذاری اقتصادی تبدیل می‌کند، نه رقم تخلف و نه نام افراد، بلکه نحوه شناسایی جرم، تعیین متهم و توزیع مسئولیت‌ها در فرآیند رسیدگی است. تجربه این پرونده نشان می‌دهد که در ساختار حکمرانی ارزی کشور، نوعی خطای نهادی شکل گرفته که نتیجه آن، کم‌شدن متهمان اصلی و برجسته‌شدن بازیگران حاشیه‌ای است.

جرم کجای رخ می‌دهد و مسئولیت با کیست؟

در ادبیات سیاست‌گذاری، نخستین گام برای مقابله با هر تخلف اقتصادی، پاسخ به یک سؤال ساده است: جرم در کدام نقطه از زنجیره رخ داده است؟ در پرونده‌های ارزی، از جمله پرونده دبش، جرم اصلی «عدم رفع تعهد ارزی» چه در خصوص صادرات و چه در خصوص واردات است؛ در زمینه واردات ارزی که برای واردات تخصیص یا تأمین شده، در موعد مقرر به واردات کالا یا بازگشت ارز منجر نمی‌شود. این مرحله، نه در زمان صدور مجوز واردات و نه در وزارتخانه‌های بخشی، بلکه در عملیات بانکی و گمرکی محقق می‌شود. ابزارهای شناسایی، پیشگیری و برخورد با این جرم، از کنترل ذی نفع واحد گرفته تا اخذ وثایق و توقف خدمات بانکی و اعلام تخلف. همگی در اختیار بانک‌ها و بانک مرکزی است. با این حال، تجربه پرونده دبش نشان می‌دهد که مسیر رسیدگی، به تدریج از این نقطه اصلی فاصله گرفته است.

جابه‌جایی کانون توجه: از شبکه بانکی به مجوزدهنده

یکی از ویژگی‌های نگران‌کننده این پرونده، انتقال تمرکز از محل وقوع جرم به مرحله‌ای مقدماتی در فرآیند واردات است؛ مرحله‌ای که اساساً نه جرم انگاری شده و نه ابزار کنترلی لازم برای کشف تخلف ارزی را در اختیار دارد. این جابه‌جایی، اگرچه ممکن است رسیدگی را ساده‌تر و سریع‌تر جلوه دهد، اما از منظر حکمرانی اقتصادی، پیامدهای پرهزینه‌ای دارد.

وقتی دستگاه‌های مجوزدهنده به‌جای نهادهای ناظر بر جریان پول و ارز در کانون اتهام قرار می‌گیرند، این پیام به‌صورت ضمنی به ساختار حکمرانی مخابره می‌شود که مسئولیت بدون اختیار نیز قابل مجازات است؛ در حالی که اختیار بدون پاسخ‌گویی، عملاً از تیررس رسیدگی خارج می‌ماند.

پیامدهای یک خطای قضایی

این مسئله تنها یک اختلاف حقوقی نیست. در سطح سیاست‌گذاری، چنین رویکردی اثرات عمیقی بر رفتار مدیران و نهادها می‌گذارد. وقتی مجوزدهی، حتی در چارچوب قانون، می‌تواند به‌عنوان مقدمه جرم تلقی شود، طبیعی است که دستگاه‌های اجرایی به سمت احتیاط افراطی، تعلیق تصمیم‌گیری و قفل‌شدن فرآیندها حرکت کنند. نتیجه این وضعیت، کاهش پیش‌بینی‌پذیری محیط کسب‌وکار، افزایش هزینه مبادله و تضعیف سیاست‌های صنعتی است؛ دقیقاً همان حوزه‌ای که در سال‌های اخیر، کشور بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز دارد.

چرا متهمان اصلی دیده نمی‌شوند؟

سؤال کلیدی اینجاست که چرا در پرونده‌هایی از این دست، نهادهای دارای نقش محوری در حکمرانی ارزی کمتر مورد پرسش قرار می‌گیرند؟ پاسخ را باید در ترکیب پیچیده‌ای از ملاحظات نهادی، دشواری‌های فنی و شاید ترجیح مسیری‌ها کم‌هزینه‌تر برای رسیدگی جست‌وجو کرد. رسیدگی به عملکرد شبکه بانکی، مستلزم ورود به داده‌های تخصصی، ساختارهای درهم‌تنیده و مسئولیت‌های چندلایه است؛ امری که هم پیچیده‌تر است و هم می‌تواند تبعات نهادی گسترده‌تری داشته باشد. در مقابل، تمرکز بر دستگاه‌های اجرایی بخشی، ساده‌تر و رسانه‌ای‌تر به نظر می‌رسد، هرچند از منظر کشف حقیقت و اصلاح ساختار، راهگشا نیست.

خطری برای حکمرانی ارزی

ادامه این روند، یک خطر جدی برای حکمرانی ارزی کشور به همراه دارد: تفکیک‌شدن قدرت از مسئولیت. اگر نهادی که ابزار نظارت، داده و اختیار مداخله دارد، در عمل پاسخ‌گو نباشد و در مقابل، نهادی که فاقد این ابزارهاست، محل تمرکز اتهام شود، نظام ارزی نه اصلاح می‌شود و نه بازآرندگی ایجاد می‌کند. پرونده دبش از این منظر، بیش از آنکه یک استثنا باشد، یک نشانه است؛ نشانه‌ای از ضرورت بازنگری در نحوه تعریف مسئولیت‌ها، سازوکارهای نظارتی و مسیر رسیدگی به تخلفات ارزی.

مسئله‌ای که تکرار خواهد شد

اگر این الگو اصلاح نشود، پرونده دبش آخرین نمونه نخواهد بود. تا زمانی که پاسخ به جرم ارزی، به‌جای تمرکز بر محل واقعی وقوع آن، به حاشیه‌های فرآیند منتقل شود، هم هزینه‌های اقتصادی افزایش می‌یابد و هم اعتماد به سیاست‌گذاری کاهش پیدا می‌کند. مسئله اصلی، نه دفاع از یک فرد یا محکوم کردن فردی دیگر، بلکه این پرسش بنیادین است: آیا حکمرانی ارزی کشور آماده پذیرش مسئولیت در برابر اختیارات خود هست یا نه؟

نصف اقتصاد رادردست بگیرید



Charsogh newspaper

یکشنبه ۱۴ دی ۱۴۰۴ ■ سال دوم ■ شماره ۳۶۶



رهبرانقلاب:

با معترض حرف می‌زنیم؛ اغتشاش‌گر را باید سر جایش نشانند

گزارش

حکومتی ایشان به مالک اشتربز از مفاهیمی است که عدالت رامحقق می‌سازد. حضرت‌آیت‌الله‌خامنه‌ای در تبیین روش‌های امام‌علی (ع) در باب تقوا، افزودند: امیرمؤمنان گاهی تقوا را در محراب عبادت و نماز و تضرع به درگاه پروردگار تجلی می‌بخشید و فرشتگان عرش راه‌نحیرو رشک وای داشت؛ گاه باصبر و سکوت و گذشتن از حق خود برای حفظ وحدت مسلمین و جلوگیری از بروز اختلاف‌آنها عملی می‌کرد و گاه، باسینه سپردن کرد در صحنه‌های دشوار مانند لیله‌المغیت و غزوات پیامبر(ص).

ایشان با اشاره به ضرورت پیروی‌آحاد مردم و به‌خصوص مسئولان، از روش‌های تقوایی حضرت امیر، افزودند: عدالت علوی نیز واجب‌ترین

و جدی‌ترین نیاز کشور است و ما امروز بر خلاف شیعه در طول تاریخ، هیچ‌بهانه‌ای برای پیگیری نکردن و اجرائنشدن عدالت نداریم؛ چراکه

حکومت «جمهوری اسلامی و نظام علوی» است.

رهبرانقلاب در بیان موانع تحقق عدالت و تقوا، گفتند: گاهی ترس، گاهی تردید و ملاحظه‌رافت‌ها و گاهی ملاحظه‌شدن، جلوی کار را می‌گیرد، اما باید بدون ملاحظه بی‌مورد، به سمت توسعه عدالت و تقوا حرکت کرد. ایشان با جلب توجه ملت و مسئولان به یک نکته مهم در زندگی امیرمؤمنان، گفتند: باید قدرت کرد که مولای متقیان در همه‌دگرگیری‌های نظامی در دوران پیامبر و سال‌های حکومت‌شان فاتح و پیروز بود، اما روش‌های

مختلف دشمنان شکست‌خورده‌های فریب‌وست‌کردن مردم، در موارد زیادی مانع تحقق اهداف امام‌علی (ع) شد. رهبرانقلاب، ایجاد شایعات و استفاده از دروغ و فریب و نفوذ و روش‌های مشابه و به‌تعبیر امروزی، «جنگ نرم» را سیاست دشمنان مولای متقیان برای بی‌انگیزه‌کردن و ایجاد تردید در جامعه‌آن‌روز خواندند و گفتند: وقتی مردم سست شدند، تحقق اهداف ناممکن می‌شود؛ چراکه براساس سنت الهی، کار دندست مردم است و به‌دست آنها انجام می‌شود.

حضرت‌آیت‌الله‌خامنه‌ای هدف دشمن در جنگ نرم را بی‌انگیزه‌و ناامید

کردن مردم و ایجاد تردید در ملت برشمردند و گفتند: همچنان‌که در دوره

امیرالمؤمنین با شایعه‌سازی و دروغ در پی بدبین کردن مردم بودند، امروز هم همان اقدامات عیناً انجام می‌شود؛ البته ملت ایران نشان داده است که در میدان‌های سخت و هر جا که نیازمند حضور و کمک او است، محکم ایستاده و دشمن را مأیوس می‌کند.

ایشان انگیزه‌قوی ملت ایران را عامل نگرانی بدخواهان دانستند و افزودند: یکی از ابزارهای دشمن و بعضی افراد ناپایب یا غافل در کارزار جنگ نرم، انکار داشته‌ها و توانایی‌های ملت ایران است چرا که غفلت از توانایی‌های

ملی، زمینه‌ساز تحقیر و تسلیم در برابر دشمن خواهد شد.

ایشان ارسال سه ماهواره به‌فشار یک‌روز و پیشرفت‌های خیره‌کننده در بخش‌های مختلف علمی کشور از جمله هوافضا، زیست‌فناوری، پزشکی، درمان، نانو و صنایع دفاعی و موشکی را نمونه‌هایی از کارهای بزرگ ملت و جوانان نخبه و کارآمد ایران خواندند و گفتند: دشمن و متأسفانه برخی در داخل، این پیشرفت‌های بزرگ را که در شرایط تحریم رقم‌خورده است

پنهان می‌کنند و به‌گوش مردم نمی‌رسانند. حضرت‌آیت‌الله‌خامنه‌ای افزودند: عملی که موجب شد دشمن درخواست جنگ کند و سپس از آن نیز پیام بدهد که نمی‌خواهیم با شما جنگ کنیم، قدرت و توانایی ملت ایران است. البته ما به حرف دشمن خبیث، فریبکار و دروغگو، اعتمادی نداریم. ایشان با اشاره به میانگین سنی ۲۶ ساله دانشمندان دخیل در برتاب سه ماهواره اخیر، آن را نمونه‌ای از ثروت عظیم نیروی انسانی ملت ایران برشمردند و گفتند: آن وقت آن پایه‌گویی آمریکایی وقتی راجع به ملت ایران حرف می‌زند، قدری بدگویی می‌کند و قدری فریب و وعده می‌دهد. اما خوشبختانه امروز ملت ایران و بلکه همه دنیا، آمریکا را شناخته‌اند و نشئت رسوایی آن در جهان فرو افتاده است. رهبرانقلاب، شناخت واقعی دشمن را دستاوردی بزرگ دانستند و افزودند: مردم در جنگ ۱۲ روزه دوشان واقعیت آمریکا را دیدند. حتی کسانی که وسط راه‌حل مشکلات کشور را مذاکره با او می‌دانستند، فهمیدند که وسط مذاکره، دولت آمریکا مشغول آماده‌کردن نقشه جنگ بوده است.

ایشان مراقبت در برابر جنگ نرم و شبهه‌سازی و شایعه‌سازی دشمن را ضروری خواندند و با اشاره به میلیاردها دلار هزینه برای انتشار اظهارات دروغ در داخل ایران از طریق شبکه‌های تلویزیونی و مراکز اطلاع‌رسانی، گفتند: هدف آنها ضعیف کردن کشور و به هم‌زدن اتحاد معجزه‌آفرین ملت در جنگ ۱۲ روزه است؛ بنابراین مهمترین مسئله، توجه به دشمنی دشمن و اتحاد و اتفاق درونی و به‌تعبیر قرآن «أشدّاء علی الکفار و رخماء بئبهم» است. حضرت‌آیت‌الله‌خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنانشان با اشاره به اجتماعات هفته گذشته بازاریان خاشر نشان کردند: بازار و بازاری جزو وفادارترین اقشار به نظام و انقلاب اسلامی هستند و ما آنها را خوب می‌شناسیم؛ بنابراین نمی‌توان به اسم بازار و بازاری یا جمهوری اسلامی مقابله کرد. ایشان اعتراض بازاری‌ها به کاهش ارزش پول ملی را که باعث بی‌ثباتی محیط کسب و کار می‌شود، حرفی درست خواندند و افزودند: کاسب‌راستی می‌گوید که با این شرایط نمی‌تواند کاسبی کند؛ این موضوع را مسئولان کشور هم قبول دارند و رئیس‌جمهور محترم و دیگر مسئولان ارشد درصدد علاج این مشکلند.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: البته در این مشکل هم دست‌دشمن در کار است و بی‌ثباتی و بالا رفتن بی‌حساب و کتاب قیمت ارز خارجی که باعث بالاکتلیفی کسبه می‌شود، طبیعی نیست و باید با تأکید بر اینکه باید جلوی آن گرفته‌شود که مسئولان در این زمینه مشغول تلاش هستند. حضرت‌آیت‌الله‌خامنه‌ای با تأکید بر اینکه اعتراض بازاری‌ها به این مشکل، مطلب درستی است، گفتند:، اما آنچه غیرقابل قبول است ایستادن عده‌ای تحریک‌شده یا مزدور دشمن پشت بازاری‌ها و طرح شعارهای ضد اسلام و ضد ایران و جمهوری اسلامی است. ایشان با تأکید بر اینکه «اعتراض بی‌جاست، اما اعتراض غیراز اغتشاش است»، گفتند: مسئولان باید با معترض حرف بزنند، اما حرف‌زدن با اغتشاشگر فایده‌ای ندارد بلکه باید او را سرخاوی نشانند.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: اینکه عده‌ای تحت عناوین و نام‌های گوناگون به قصد تخریب و ناامنی کشور پشت سر بازاری‌های مؤمن و سالم و انقلابی قرار بگیرند و با سوءاستفاده از اعتراض آنها، اغتشاش کنند، مطلقاً قابل قبول نیست. ایشان کار همیشگی دشمن را فرصت‌طلبی خواندند و با اشاره به در میدان بودن مسئولان گفتند: مهم، آمادگی مجموعه ملت و تقویت عواملی همچون ایمان، اخلاص و عمل است که سلبمانی را تسلیمانی کرد. مهم بی‌تفاوت نبودن در برابر جنگ نرم و شایعه‌رذالی‌های دشمن و ایستادگی و سینه‌سپردن با قدرت کامل در برابر تحریل طلبکارانه‌او به مسئولان، دولت و ملت است. حضرت‌آیت‌الله‌خامنه‌ای تأکید کردند: در برابر دشمن کوتاه نمی‌آیم و با اتقاء به پروردگار و اطمینان به همراهی مردم، دشمن را زانو درود خواهیم آورد. حضرت‌آیت‌الله‌خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنانشان با اشاره به تقارن سالگرد شهادت شهید عالم‌قلی‌رحاج قاسم سلیمانی با ۱۳ رجب، گفتند: ۳ خصوصیت یعنی «ایمان»، «اخلاص» و «عمل»، ویژگی‌های اصلی آن شهید عزیزبود که انسان جامع و کاملی در زمان ما به‌شمار می‌آید.

ایشان، ایمان عمیق به پروردگار و حمایت‌های الهی و ایمان به هدف را خصوصیت یاز سرسار دل‌ها برشمردند و افزودند: حاج قاسم، مرد اخلاصی الهی بود و برای خوشامی و تعریف‌کردن دیگران کاری نمی‌کرد. رهبر انقلاب با تجلیل از حضور سردار سلیمانی در همه عرصه‌های لازم، گفتند: او برخلاف برخی که خوب می‌فهمند و خوب حرف می‌زنند، اما اقدامی نمی‌کنند، در همه صحنه‌هایی که لازم بود، حضور داشت؛ چه در حفظ و هدایت حرکت انقلاب و مواجهه با شرارت‌ها در کرمان، چه در نیروی قدس، دفاع از حرم، مقابله با داعش و عرصه‌های دیگر. حضرت‌آیت‌الله‌خامنه‌ای با اشاره به تأثیر مشهود و گاه بی‌ظنیر سردار در حساس‌ترین و مهمترین مسائل سیاسی منطقه، افزودند: حاج قاسم به تربیت و پرورش هم‌رزمان و نیروهای تحت امر، همت، بازز داشت و به علت همین خصوصیات، مرزا او هر سال مقدس‌تر و محترم‌تر می‌شود و اجتماع عظیم مردم از راه‌های دور و حتی کشورهای دیگر به زیارت مرزا او می‌روند. رهبرانقلاب همچنین با اشاره به حضور خانواده‌های شهیدان عزیز جنگ ۱۲ روزه در دیدار، گفتند: این جلسه برای تجلیل و تکریم و تنظیم به همه شهیدان دفاع مقدس ۱۲ روزه و خانواده‌های آنان –چه سرداران ششای جهاد و شهادت، چه دانشمندان پر توان و چه شهدای دیگر- تشکیل شده است.

ایشان تأکید کردند: نام همه‌این شهیدان در تاریخ ماندگار است و ما

باید برکات این نام‌های مبارک استفاده کنیم.

چشم طمع آمریکا به نفت و منابع کشورها؛ چرا ترامپ به ونزوئلا حمله کرد؟

در عین حال، تلاش ونزوئلا و ایسران برای ایجاد مسیرهای جایگزین فروش نفت، همکاری با روسیه و چین و کاهش وابستگی به دلار، به‌عنوان یک مانع جدی در برابر پروژه آمریکا برای کنترل منابع انرژی عمل می‌کند. این استراتژی‌ها نشان می‌دهند که مقاومت این کشورها در برابر فشارهای آمریکا تنها یک موضع سیاسی نیست، بلکه یک انتخاب اقتصادی و راهبردی برای حفظ قدرت ملی است.

نفت، دلار و سیاست خارجی آمریکا: اعتراف داخلی

اظهارات توماس مسی، نماینده جمهوری خواه کنکره، به‌وضوح نشان می‌دهد که اقدامات ترامپ علیه ایران و ونزوئلا نه‌برای دفاع از آزادی یا حقوق بشر، بلکه برای تضمین جریان نفت، تقویت دلار و منافع اقتصادی آمریکا است. افزایش قیمت نفت در شرایط بحران، سودآوری تولیدکنندگان نفت شیل آمریکا را افزایش می‌دهد و در عین حال، کشورهای مستقل نفت‌خیز را تحت فشار مضاعف قرار می‌دهد.

این واقعیت اقتصادی، نقش نفت به‌عنوان موتور محرک سیاست خارجی آمریکا را روشن می‌کند و نشان می‌دهد که واشنگتن در حال پیشبرد پروژه‌ای برای بازتعریف نظم بازار انرژی به نفع خود است.

افق اقتصادی و ژئوپلیتیک: استنادی در برابر سلطه انرژی محور

بازار نفت جهانی در کوتاه‌مدت با اختلال، نوسان شدید و افزایش ریسک ژئوپلیتیک مواجه خواهد شد. هرگونه تلاش آمریکا برای تسلط بر منابع ونزوئلا و ایران با مقاومت جدی این کشورها، حمایت‌های روسیه و چین و شکل‌گیری موازنه‌های جدید بین‌المللی روبه‌رو خواهد شد. این استنادی، ضمن حفظ منابع ملی و استقلال اقتصادی، می‌تواند پروژه آمریکا برای کنترل انرژی جهان را با چالش‌های جدی مواجه کند و آینده‌بازار نفت را بیش از پیش بی‌پیش‌قابل‌پیش‌بینی سازد. از تهران تا کاراکاس، قطعات بازار سیاست خارجی و اقتصادی آمریکا آشکار می‌کنند که نفت و دلار، محور تمامی تحولات است و استنادگی کشورهای مستقل نفت‌خیز، مانع تحقق کامل اهداف واشنگتن شده است.



نفت به دلیل کاهش عرضه و در عین حال، کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران به پایداری بازار، دو عامل اصلی ناپایداری اقتصادی هستند.

این وضعیت همچنین فرصتی برای آمریکا فراهم می‌کند تا با استفاده از ظرفیت‌های تولید داخلی و متحدان منطقه‌ای، جریان نفت را مدیریت کند، اما این کنترل اغلب موقتی همراه با هزینه‌های سیاسی و اقتصادی برای خود واشنگتن خواهد بود.

تحلیل اقتصاد کلان نشان می‌دهد که هرگونه تلاش آمریکا برای تصاحب منابع نفت ونزوئلا، با ایجاد خلأ مدیریتی در صنعت نفت این کشور، می‌تواند علاوه بر منفزه شکستن تعادل نسبی موجود در صنعت نفت ونزوئلا است که پیش از این نیز تحت فشار تحریم‌ها با ظرفیت پایین فعالیت می‌کرد. اختلال در صادرات نفت باعث خواهد شد که بازار جهانی با نوسانات کوتاه‌مدت مواجه شود؛ افزایش قیمت بلندمدت شکننده و غیرقابل‌پیش‌بینی می‌سازد.

ناوخته‌شده علیه این کشور ایجاد کرده است.

این شاره‌ها، هدفی جز تضعیف اقتصادی ونزوئلا و تسلط بر منابع نفتی آن ندارند و به‌وضوح نشان می‌دهد که نفت همچنان محور اصلی سیاست خارجی آمریکا است.

ونزوئلا: گنجینه نفتی تحت محاصره

ونزوئلا با بیش از ۳۰۰ میلیارد بشکه ذخایر نفت اثبات‌شده، همواره هدف فشارهای اقتصادی و سیاسی آمریکا بوده است.

ملی‌سازی صنعت نفت در سال ۱۹۷۶ و ایجاد شرکت دولتی نفت ونزوئلا مسیر استقلال نفتی این کشور را رقم زد و به کاهش نفوذ شرکتهای آمریکایی انجامید. دولت مادورو مسیر مستقلی مشابه دوره جاوز در سیاست انرژی در پیش گرفته و با محدودسازی بیشتر شرکت‌های خارجی و کاهش وابستگی به دلار، تلاش کرده است منابع ملی را حفظ کند. آمریکا اما با اعمال تحریم‌های اقتصادی، محاصره نفتکش‌ها و محدودیت‌های بیمه‌ای، عملیات محاصره نفتی

و محدودیت‌های بیمه‌ای، عملیات محاصره نفتی



اقتصادی از ۲٫۶ درصد به ۵٫۶ درصد رسید.

عباس شاکری: «در سال ۱۳۷۴ رئیس‌جمهور در عین حال که در ابتدا از سیاست‌های تعدیل حمایت می‌کرد، از تورم شدید و بی‌ثباتی حاصل از آن نگران شد.»

دولت‌هایی که به بازار دلار تزریق می‌کنند اما فایده‌ای ندارد. «برای اینکه از نرخ‌های به‌اصطلاح بازاری حمایت کنند، منابع فراوانی به بازار تزریق می‌کردند و چون روند نرخ ارز به‌طور مداوم صعودی بود، سوءاستفاده از ارز و خرید و فروش آن به‌منظور کسب سود رواج یافت. «در سال ۷۲ و ۷۳ نرخ ارز به‌ترتیب ۲۰٫۵، ۴۶ و ۵۳ درصد رشد می‌کند. واردات پرسودترین فعالیت می‌شود و ورود کالاهای لوکس و تجملی به کشور شدت می‌گیرد. «۳۰جناس به‌صورت ساعتی گران می‌شد، انتظارات تورمی به‌شدت شعله‌ور شد، نااطمینانی همه‌جا را احاطه کرده بود.» تورم خرده‌فروشی‌ها در سال ۷۴ به ۴۹٫۶ درصد و تورم عمده‌فروشی‌ها به حدود ۶۰ درصد می‌رسد؛ رقمی که در بیست سال قبل از آن سابقه نداشت. برسر نرخ رشد نقدینگی چه می‌آید؟ «نقدینگی که قرار بود طبق برنامه در سال این تنها ۱۲٫۵ درصد رشد کند، حتی نسبت به سال ۱۳۷۳ بسیار بیشترکرد. «یعنی رشدی معادل ۳۷٫۵۶ درصد، این یعنی علیّت معکوس. «به نظر ما در اینجا علیّت معکوس تورم به نقدینگی فعال شد و پول را به‌صورت منفعل افزایش داد.»

منشأ این علیّت معکوس چیست؟ یکی از علل هزینه‌های خود دولت است. «وقتی تورم بالا در اقتصاد شکل می‌گیرد، دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده کالاها و خدمات… از همه بیشتر متضرر و متأثر می‌شود و در ماه‌های پایانی سال برای پرداخت حقوق کسری می‌آورد و به‌صورت اضطراری آن را از بانک مرکزی تأمین می‌کند.» این شرایط خود را در رشد بدهی دولت به بانک مرکزی نشان می‌دهد. «در سال ۱۳۷۴ نیز رشد بدهی دولت به بانک مرکزی به ۳۱٫۲ درصد رسید.» نتیجه آنکه «این پرش و شوک ارزی است که هم موجب تورم می‌شود هم موجب افزایش رشد نقدینگی به سه برابرمقدار هدف و مصوب آن.»

مسئله چیست؟ «وقتی صادرات متنوع غیرنفتی رقابت‌پذیر منشأ آرزوی نباشد و عرضه زار عمدتاً به درآمد‌های ارزی ناشی از صادرات نفت وابسته باشد، نرخ‌های موجود ارز قیمت‌های صحیح و علامت‌دهنده نیستند و به‌محض اینکه کمبود در بازار حس شود یا احساس شود که قرار است نرخ ارز هر روز بالا رود، هجوم تقاضای سوداگرانه ارز در بازار آغاز می‌شود.»

عباس شاکری می‌نویسد: «دست‌اندرکاران به‌طور توهم‌آمیز امید داشتند که با رهاکردن چند متغیر کلیدی، بازارهای رقابتی شکل می‌گیرد و حتی همه کاستی‌های ساختاری و نهادی جبران و تأمین می‌شود.»

امروز و دیروز؛ شباهت‌ها و تفاوت‌ها

بی‌تردید شرایط امروز اقتصاد ایران با سال ۱۳۷۴ تفاوت‌های مهمی دارد؛ هم پیچیدگی اقتصاد بیشترشده است و هم ابزارهای حاکمیت، از فناوری‌های اطلاعاتی و اشراف بر تراکنش‌های مالی تا سازوکارهای گمرکی، قابل مقایسه با آن دوره نیست، با این حال، یک واقعیت همچنان پابرجاست: نرخ ارز در ایران تابع اراده سیاسی است؛ همان‌گونه که سیاست تعدیل و جهش ارزی بارها در دهه‌های سیاسی اجرا شد، همان‌گونه که از ۴۲۰۰ تومانی در سال ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ نیز تعداد در سال ۱۳۷۴ نیز محصول یک تصمیم سیاسی بود. این اراده سیاسی می‌تواند در خدمت منافع عمومی و معیشت مردم باشد یا در خدمت ذی‌نفعان ارز گران.

پایان باز؛ اقتصاد در دوراهی تصمیم

در سال‌های اخیر، بسیاری از تصمیم‌های اقتصادی در جریان‌های تصمیم‌ساز در دولت مجلس شورای اسلامی را به اصلاحاتی به‌نفع مردم سوق دهند. بی‌سابقه ماندن این مطالبات، اکنون بخشی از این نغدغه‌نمندان رانانگیز بره کتش سیاسی کرده‌است.

تجربه سال ۱۳۷۴ نشان می‌دهد که بحران ارزی و تورمی، نه‌تقدیر محتم اقتصاد، بلکه نتیجه انتخاب‌های سیاستی است؛ انتخاب‌هایی که می‌تواند التهاب بیافرینند یا ثبات را بازگردانند.



نسخه‌ای که دلار ۷۰۰ تومانی را ۳۰۰ تومان کرد

گزارش

در روزهایی که جهش نرخ ارز کشور را ملتهب کرده، بازخوانی

جهش ارزی سال ۱۳۷۴ و شباهت‌هایش با امروز راهگشاست. در روزهایی که اقتصاد ایران با دیگر با جهش نرخ ارز و سرکنش شدن تورم مواجه شده‌است، نشانه‌های آشکاری از بروز التهاب در سطح معیشت و افکار عمومی دیده می‌شود؛ وضعیتی که برای بسیاری از ناظران اقتصادی، یادآور یکی از پرتشن‌ترین مقاطع اقتصاد ایران پس از جنگ تحمیلی است، یعنی سال ۱۳۷۴.

با اینکه در سال‌های اخیر نرخ تورم سالانه در محدوده ۴۰ درصد نوسان داشته، اما تورم ۴۹٫۹ درصدی سال ۱۳۷۴ همچنان رکورد بالاترین تورم سالانه‌س پس از انقلاب را در اختیار دارد، ازاین‌رو، بررسی تحولات و رویدادهای اقتصادی سال ۱۳۷۴ و تحلیل مسیر خروج از آن وضعیت وخیم، می‌تواند به‌عنوان چراغ راهنمای ارزشمندی برای سیاست‌گذاران اقتصادی امروز باشد.

افزایش شتابان قیمت‌ها، کاهش قدرت خرید و شکل‌گیری فضای نااطمینانی در بازارها، بار دیگر این پرسش را مطرح کرده‌است: آیا اقتصاد ایران در حال تکرار تجربه‌ای تاریخی است که سه دهه پیش، پیامدهای اجتماعی و سیاسی سنگینی به‌دنبال داشت؟

آغاز تعدیل؛ نسخه‌ای که از دهه ۷۰ پیچیده شد

ریشه‌های بحران اقتصادی سال ۱۳۷۴ به سال‌های پایانی دهه ۶۰ بازمی‌گردد. از سال ۱۳۶۸، همکاری رسمی ایران با صندوق بین‌المللی پول (IMF) آغاز شد؛ همکاری‌ای که به‌تدریج به طراحی و اجرای سیاست‌هایی موسوم به «تعدیل اقتصادی» انجامید. اسحاق جهانگیری، در سال ۱۳۶۹، با تشریح توصیه‌های IMF برای ایران اعلام کرده بود: راجع به از بین بردن کسری بودجه پیشنهاد می‌کند که هزینه‌ها کاهش یابد، حجم کار دولت کمتر شود و درآمد‌ها، خصوصاً درآمد مالیاتی، افزایش یابد. راجع به شرکت‌های دولتی و کارایی آن‌ها و فعال کردن بخش خصوصی و کنترل نقدینگی و همچنین راجع به حذف سوبسیدها و نرخ ارز پیشنهاداتی دارد که البته بعضی از این شرایط به‌عنوان سیاست‌های اقتصادی از قدیم و در حال حاضر مورد توجه دولت و مجلس بوده‌است.

ولی بعضی دیگر از آن شرایط به‌هیچ‌وجه، به مصلحت کشور ما

تداوم اعتراضات بازار بدون التهاب و تخریب، مستلزم آن

است که امنیت محیط کسب به مطالبه‌ای مشترک میان بازاریان و نهادهای مسئول تبدیل شود. به گزارش مهر، با توجه به شروع اعتراضات خیابانی از بازار و راسته جمهوری- استانبول و بازار تهران به نظر می‌رسد دال مرکزی اعتراضات حول مطالبات اقتصادی بر محوریت بازاریان و کسبه چرخیده است. هرچند مطالبات اقتصادی و تأمین ثبات در شرایط فعلی کشور حق طبیعی کاسبان و بازاریان است و همچنین تأمین امنیت بازار و محیط کسب وظیفه حاکمیت است ولی نکته مهم مطالبه تأمین امنیت کسب است که به نظر می‌رسد بازار به ماهو بازار باید رکن اصلی این مقام قرار گیرد.

مفهوم امنیت بازار پایه

به‌عنوان کلیدی‌ترین مفهومی است که در عملیات روانی و رسانه‌ای باید مورد توجه قرار گیرد. در واقع بازاری به‌عنوان رکن اصلی اعتراضات و مطالبات فعلی باید از مقام امنیتی و انتظامی خواستار تأمین امنیت بازار باشد.

بیانیه‌ای که بازار تبریز صادر کرد بسیار هوشمندانه عمل کرد و به‌نظری می‌رسد لازم است این بیانیه به‌صورت دومینوبه کل کشور سرایت کند. امنیت بازار پایه دقیقاً به این معناست که بازاری خود مطالبه تأمین امنیت محیط کسب را از نهاد امنیتی و انتظامی مطالبه کند؛ و به انحراف مطالبات به حق خود از سمت اقتصادی به سمت شعارهای تند سیاسی و جناحی اعتراض کند.

الزامات تأمین امنیت بازار پایه

هویت دهی به قشر بازاری به‌عنوان مهم‌ترین رکن و کنشگر در جنگ اقتصادی کشور و یادآور نقش مهم و البته مقدس نهاد بازار در به ثمر رسیدن انقلاب.

قدس دهی به محیط بازار، محیط بازار و بازاری همواره مقدس

نیست، مثلاً حذف سوبسیدها در کشوری که یکی از مهم‌ترین اهداف انقلابش دفاع از مستضعفین جامعه است، چگونه امکان‌پذیر است؟»، اما با وجود این هشدارها، نهایتاً در اسفندماه ۱۳۶۹ برنامه‌ای با عنوان «تعدیل اقتصادی براساس بازنگری در نرخ ارز» با همکاری IMF تدوین شد؛ سندی که مهر «سری» خورد و اندکی بعد به مرحله اجرا درآمد.

فرض بنیادین تعدیل؛ ارز هم مثل کالاهای دیگر است

فرض اصلی این سند آن بود که ارز نیز مانند سایر کالاها، قیمتی دارد که باید در بازار و براساس عرضه و تقاضا تعیین شود، بر همین مبنا، «پذیرش تدریجی مکانیسم بازار در تعیین قیمت ارز» در دستور کار قرار گرفت.

نتیجه، جهش بی‌سابقه نرخ ارز بود؛ جهشی که به‌سرعت به تورم افسارگسیخته، افزایش هزینه‌های زندگی و فشار شدید معیشتی بر اقدار مختلف جامعه منجر شد، نرخ تورم به سطوحی رسید که حتی در سال‌های جنگ تحمیلی نیز تجربه نشده بود.

اعتراضات اجتماعی؛ از مشهد تا اسلام‌شهر

پیامدهای اجتماعی این سیاست‌ها دیری نپایید، نرخ ارز در مدت نسبتاً کوتاهی از محدوده ۳۰۰ تومان به ۸۰۰ تومان جهش کرد و در گوشه‌وکنار کشور، اعتراضات علیه فقر و گرانی شکل گرفت؛ از قزوین و مشهد گرفته تا شهرهای دیگر، سرانجام در فروردین ۱۳۷۴، التهابات اجتماعی به اسلام‌شهر رسید و زنگ خطر جدی برای دولت هاشمی به صدا درآمد. با این حال، مدافعان سیاست تعدیل بر اجرای آن پافشاری می‌کردند.

مسعود روغنی زنجانی، رئیس وقت سازمان برنامه، صراحتاً گفته بود: اگر شما دنبال اجرای یک سیاست مشخص هستید باید منتظر عواقب اجتماعی، سیاسی آن هم باشید… اگر قرار باشد چنین واکنش‌هایی را شاهد نباشیم، هرگز سیاست‌هایی را که مدنظر داریم اجرا نخواهیم کرد.

مواضعی که امروز نیز با ادبیاتی دیگر، در دفاع از شوک‌های قیمتی و «حرکت اصلاح، تکراری می‌شود.

چرخش سیاست، ترمز تعدیل در اردیبهشت ۷۴

درنهایت، اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۴، دولت وقت به‌ریاست آیت‌الله

هاشمی رفسنجانی، ترمز سیاست تعدیل را کشید و به سیاست

تثبیت نرخ ارز روی آورد.

براساس مصوبه هیات وزیران:

۱.نرخ ارز که در بازار آزاد به حدود ۷۰۰ تومان رسیده بود، روی ۳۰۰ تومان تثبیت شد؛

۲.همه صادرکنندگان مکلف شدند ۱۰۰ درصد از حاصل از صادرات را ظرف ماه سه به کشور بازگردانند و به قیمت رسمی بفروشند؛

۳.پیمان‌سازی ارزی ۱۰۰ درصدی اجرا شد؛

۴.کمیته نرخ گذاری کالاهای صادراتی تشکیل شد تا میزان ارزی که صادرکننده باید بازگرداند، مشخص شود.

۵.وزارت اطلاعات مسئول برخورد با قاچاق ارز شد؛

۶.مجوز صرافی‌های متخلف لغو شد و بازار سیاه عملاً خشک شد.

کنترل تورم؛ تأیید رهبری و آمارها

نتیجه، رکود کامل بازار غیررسمی ارز و آغاز روند کاهش قیمت‌ها بود؛ حتی قیمت سکه طلا و انواع کالاهای مصرفی از خودررو و لوازم خانگی تا مواد غذایی، به‌طور محسوس کاهش یافت.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در شهریور ۱۳۷۴، در دیدار با هیات دولت وقت، از آثار مثبت این سیاست تمجید کردند و تثبیت نرخ ارز و مقابله جدی با قاچاق را مؤثر در بهبود زندگی مردم دانستند.

بهمن همان سال، مرحوم مرتضی محمد‌خان، وزیر وقت اقتصاد، در نامه‌ای محرمانه به رئیس‌جمهور تصریح کرد: علت اصلی تورم در کشور، نرخ ارز است و طی ۹ ماه اجرای سیاست تثبیت، دولت موفق به کنترل تورم شده‌است.

این پیش‌بینی، به‌شکلی فراتر از انتظار محقق شد: تورم ۴۹٫۵ درصدی سال ۱۳۷۴ در سال ۱۳۷۵ به ۲۲ درصد کاهش یافت و رشد

اخبار



درخواست برخورد قانونی با تعلل‌کنندگان در اتصال سامانه‌های ملی

دیده‌بان شفافیت در نامه به رئیس قوه قضائیه خواستار برخورد قانونی با تعلل‌کنندگان در اتصال سامانه‌های ملی شد.

دکتر محمد دهقان، رئیس هیات‌مدیره سازمان مردم‌نهاد دیده‌بان شفافیت و عدالت، در نامه‌ای رسمی به جحت‌الاسلام و المسلمین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه، نسبت به وضعیت ناسامان بسیاری از سامانه‌های خدمات عمومی و قضایی کشور هشدار داد و خواستار اقدام قضایی نسبت به دستگاه‌هایی شد که از اجرای قوانین مربوط به شفافیت و تبادل داده‌ها خودداری می‌کنند.

به گزارش روابط عمومی دیده‌بان شفاقت عدالت، م‌شروح نامه در ادامه می‌آید: جحت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای محسنی اژه‌ای

رئیس محترم قوه قضائیه

سلام علیکم

با احترام، در اجرای دستور رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر تحول و کارآمدسازی نظام حکمرانی و با عنایت به نقش قوه قضائیه در صیانت از قانون و احقاق حقوق عامه، این نامه به‌منظور جلب توجه آن مقام عالی به وضعیت ناسامان سامانه‌های خدمات عمومی و قضایی کشور تقدیم می‌شود.

الف) وضعیت سامانه‌های دولتی و ضرورت ورود قوه قضائیه

با وجود گذشت مدت زیادی از تصویب قوانین مهمی چون: «تسهیل صدور مجوزها» (۱۴۰۰)، «مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی» (۱۴۰۱) و «برنامه هفتم توسعه» (۱۴۰۳)، بخش قابل توجهی از دستگاه‌های اجرایی هنوز تکالیف قانونی خود را در اتصال و تبادل اطلاعات سامانه‌های ملی انجام نداده‌اند. این تعلل، باعث ناکارآمدی گسترده در خدمات الکترونیکی دولت و نارضایتی عمومی شده‌است. به‌عنوان نمونه: سامانه گمرک پس از ۹ سال هنوز به سامانه جامع تجارت متصل نشده‌است؛ امری که موجب سوءاستفاده قاچاقچیان و اخلال در شفافیت تجاری کشور شده‌است. سامانه املاک و اسکان به‌دلیل عدم همکاری برخی دستگاه‌ها تکمیل نشده و در نتیجه، امکان شناسایی دقیق خانه‌های خالی و اعمال مالیات بر آن‌ها فراهم نشده‌است. درگاه ملی مجوزها با وجود قانون صریح مجلس، به‌علت همکاری نکردن برخی وزارتخانه‌ها هنوز کامل نیست و در نتیجه، رانت و انحصار در صدور مجوزها تداوم یافته‌است. براساس قوانین فوق، عدم اتصال یا عدم تکمیل برخی از سامانه‌ها جرم‌انگاری شده‌است. از این رو، انتظار می‌رود قوه قضائیه با استفاده از ظرفیت‌های قانونی خود، مسئولان متخلف را اودار به اجرای کامل این قوانین نماید.

ب) سامانه‌های مربوط به قوه قضائیه

در کنار کاستی‌های سامانه‌های دولتی، اجرای برخی احکام قانونی در درون قوه قضائیه نیز نیازمند شتاب و اهتمام جدی است.

مطابق ماده ۱۳۴ قانون برنامه هفتم توسعه، قوه قضائیه مکلف است:

سامانه شفافیت عملکرد و کلا و کارشناسان رسمی را تا پایان سال اول برنامه ایجاد کند (بندد).

امکان استفاده برخط و وضعیت مالی مدعیان اعصار، ورشکستگی و محکومان مالی را فراهم آورد (بند پ).

درگاه یکپارچه خدمات قضایی و سامانه خودکاربری برای شهروندان راره‌اندازی کند (تکلیف د) درخواست‌ها غیر ضروری انجام شود (بند خ).

و نیز سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف بوده‌است طرف شش ماه از آغاز اجرای قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول مصوب ۱۳۷۲/۲/۱۷، تبادل برخط داده‌ها از طریق مرکز ملی تبادل اطلاعات را برقرار نماید.

با این حال، اجرای این تکالیف تاکنون کامل نشده و در برخی حوزه‌ها، همچنان فرآیندها خارج از «درگاه ملی مجوزها» انجام می‌شود. این موضوع برخلاف احکام سند تحول و تعالی قوه قضائیه، موجب نارضایتی مردم، به‌ویژه کارفرمایان و نخبگان شده‌است. قانون‌گذار با اطلاع از وضعیت ناسامان و پرهیزانه ثبت علائم تجاری به‌صورت سنتی، در اسفند ۱۴۰۲ ثبت علائم تجاری را از طریق درگاه ملی مجوزها الزامی کرده‌است ولی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تاکنون به تکلیف قانونی خود عمل نکرده‌است. با توجه به اهمیت اجرای دقیق قوانین و تحقق اهداف سند تحول قوه قضائیه، خواهشمند است: دستور فرمایید میزان اجرای قوانین مرتبط با سامانه‌های قضایی و دولتی مورد بررسی قرار گرفته و با کسائی که نسبت به اجرای احکام قانونی تعلل دارند، برخورد قانونی به عمل آید.

تداوم اعتراضات بازار بدون التهاب و تخریب، مستلزم آن

صندوق‌های سرمایه‌گذاری ارزی؛ گامی نو برای فعال‌سازی ارزهای راكد

ابلاغ اساسنامه و امیدنامه صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت ارزی، نقطه عطفی در پیوند بازار سرمایه با تأمین مالی ارزی و پروژه‌های صادرات محور محسوب می‌شود؛ اقدامی که می‌تواند بخشی از چالش مزمن کمبود منابع ارزی در اقتصاد را از مسیر بازار سرمایه هدف‌گذاری کند. به‌تازگی رئیس مرکز نظارت بر صندوق‌های سرمایه‌گذاری سازمان بورس اعلام کرده‌است که صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت ارزی با همکاری سازمان بورس، بانک مرکزی و مرکز مبادله از طلا طراحی شده‌اند. هدف اصلی این صندوق‌ها، جمع‌آوری منابع ارزی راكد و هدایت آن‌ها به سمت تأمین مالی طرح‌های صادرات محور است.

براساس مقررات ابلاغ شده، صندوق‌های ارزی از نوع صدور و ابطالی هستند و هر صندوق تنها بر مبنای یک ارز منتخب مشخص فعالیت می‌کند؛ موضوعی که به‌طور شفاف در اساسنامه صندوق درج می‌شود. دریافت منابع به‌صورت اسکناس یا حواله ارزی انجام شده و در زمان ابطال نیز بازپرداخت به همان ارز صورت می‌گیرد. این ساختار، عملاً ریسک تسعیر ارز را برای سرمایه‌گذار حذف می‌کند؛ مزیتی که در شرایط نوسان نرخ ارز، جذابیت قابل توجهی دارد. منابع جمع‌آوری شده نیز صرف سرمایه‌گذاری در سپرده‌های ارزی، گواهی سپرده خاص ارزی، اوراق بهادار با درآمد ثابت ارزی و تنزیل اعتبارات اسنادی ارزی می‌شود؛ ترکیبی که ماهیت کم‌ریسک‌تری نسبت به سرمایه‌گذاری مستقیم در پروژه‌ها دارد.

از فعال‌سازی ارزهای خانگی تا تقویت صادرات

از صندوق اقتصاد کلان، صندوق‌های ارزی چند مزیت کلیدی شامل فعال‌سازی ارزهای راكد نزد اشخاص حقیقی و حقوقی بدون اجبار به فروش یا تبدیل به ریال، ایجاد درآمد ارزی پایدار برای سرمایه‌گذاران، تأمین مالی پروژه‌های صادرات محور و افزایش ارز در دسترس اقتصاد، ایجاد انگیزه برای بازگشت سریع تر ارز حاصل از صادرات، افزایش معافیت مالیاتی درآمد صندوق‌ها که بازده مؤثر سرمایه‌گذاری و نقدشوندگی تضمین شده از طریق ضامن نقدشوندگی را در بر دارد.

همچنین در شرایطی که بخشی از منابع ارزی کشور خارج از چرخه رسمی اقتصاد نگهداری می‌شود، این ابزار می‌تواند بیل ارتباطی میان پس‌انداز ارز مردم و نیازهای واقعی بخش تولید و صادرات باشد.

